

فصل ششم

"تهاجم فرهنگی" (۷۹ - ۱۳۷۷)

هم‌زمان با محاکمه جامعه، مقام‌های ارشد ایران پی‌درپی به روزنامه‌های تازه کشور حمله کردند. رئیس قوه قضائیه، آیت‌الله محمد یزدی، در خطبه نماز جمعه خواستار «نظارت فعال‌تر» بر «حدود یک هزار نشریه» شد «تا عملکرد برخی نشریات به یاس و به ناامیدی مردم نینجامد». آیت‌الله یزدی گفت «روزنامه‌ها و مجلاتی که مثل قارچ می‌رویند ریشه چندان قوی و توانائی ندارند، ولی برای زدن ریشه‌های نیرومند و قوی اسلام قلم به دست گرفته‌اند. هر روز با یک بهانه‌ای سراغ یک مسأله‌ای می‌روند.» آیت‌الله یزدی از «وزیر محترم ارشاد» خواست که «خودشان قبلاً اقدام کنند که نیازی به اقدام دیگران نباشد.» عضو شورای نگهبان، آیت‌الله احمد جنتی، نیز در خطبه نماز جمعه گفت «برخی افرادی که سابقه‌ای در انقلاب ندارند [در] برخی نشریات قلم به دست گرفته و با ارزش‌های اسلامی می‌تازند و متأسفانه روز به روز هم تعداد این نشریات مثل قارچ اضافه می‌شود.» آیت‌الله جنتی گفت «برخی نشریات مروج فساد و فحشا هستند و بی‌حجابی و بدحجابی و ارتباط آزادانه زن و مرد را تشویق می‌کنند.» وزیر خارجه دولت آقای رفسنجانی، دکتر علی اکبر ولایتی، در نشست با روحانیان در قم گفت «بعضی از روزنامه‌هایی که طی یکی دو سال گذشته مثل قارچ در جامعه سردرآوردند سعی دارند خط قرمزها را از بین ببرند.» امام جمعه دزفول حجت‌الاسلام محمد حسن شریعتی نیز گفت «وزارت ارشاد باید از افزایش انتشار نشریه‌ها و مجلات در کشور که قارچ گونه رشد می‌کنند جلوگیری کند.» عضو هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی، محمدرضا باهنر، در مسجد جامع نجف آباد گفت «بعضی از روزنامه‌ها و مجلات مناسب نظام اسلامی نیستند و ما در این خصوص از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی سوال می‌کنیم.» آقای مهاجرانی در واکنش به این‌که اگر در سیاست‌هایش تجدید نشر نکند، پس از وزیر کشور، حجت‌الاسلام عبدالله نوری، نوبت استیضاح او خواهد رسید، گفت «باید عرض کنم وزیر ارشاد در هیچ سیاستی تجدید نظر نمی‌کند.»^۱

آیت‌الله خامنه‌ای شخصاً چندین بار درباره «تهاجم فرهنگی غرب» با «داستان قدیمی» تفرقه بینداز و حکومت کن «هشدار داد که «گاهی با دست عنصر خودی غافل، بی‌توجه و فاقد بینش صحیح سیاسی انجام می‌گیرد.»^۲ آیت‌الله خامنه‌ای در دیداری با فرماندهان سپاه پاسداران در شهریورماه ۱۳۷۷ گفت کسانی که در دوران جنگ «خجلت زده و شرم‌زده بودند، چون حضوری در صحنه نداشتند» می‌خواهند جنگ را از «خاطر ملت ایران ببرند»،

^۱ رسانه، سال نهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷، ۱۶۰-۱۵۶.

^۲ حمید رسائی، پایان داستان غم انگیز: نگاهی به زمینه‌های صدور حکم حکومتی مقام معظم رهبری درباره قانون مطبوعات، تهران، انتشارات کیهان، جلد ۱، چاپ پنجم، ۱۳۸۱، ۱۸۰-۱۷۲.

و «به همین سبب، درست عکس این خواست باید انجام گیرد، یعنی خاطره درخشان روزهای بزرگ دفاع مقدس، باید با قوت و قدرت بیشتر و روشن و همان که بوده است باقی بماند.» آیت‌الله خامنه‌ای گفت جمهوری اسلامی به «آزادی بیان و آزادی فعالیت‌های اجتماعی» معتقد است، اما در «حدودی که اسلام تعیین کرده است،» و «آزادی خیانت» و «آزادی توطئه» وجود ندارد. آیت‌الله خامنه‌ای گفت برای دومین بار در سال با مسئولین «اتمام حجت» می‌کند تا «اقدام کنند، ببینند کدام روزنامه است که از حدود آزادی پا را فراتر می‌گذارد.»^۳

«ارتباط فرانسوی»

روز بعد، قوه قضائیه به ناشر روزنامه توس اطلاع داد که در آن روزنامه «مطالبی مغایر با امنیت کشور و منافع عام» چاپ شده و انتشار توس تا زمانی که تحقیق کامل انجام شده باشد متوقف خواهد ماند. تنها دلیل مشخصی که برای تعطیل توس داده شده بود این بود که با نقل قول از رئیس جمهور پیشین فرانسه، والرئ ژیسکار دستن، که در مصاحبه‌ای گفته بود آیت‌الله خمینی هنگام ورود از عراق به فرانسه در سال ۱۳۵۷ تقاضای پناهندگی سیاسی کرده بود به آیت‌الله خمینی اهانت کرده است. مسئول سازمان ناشر آثار آیت‌الله خمینی گفت آنچه در این مورد در مصاحبه گفته شده نادرست است، اما اهانت به آیت‌الله خمینی به حساب نمی‌آید.^۴ با وجود این، ۱۲ روز پس از تعطیلی روزنامه توس از سوی دادستانی دادگاه انقلاب، «هیأت نظارت بر مطبوعات» به اتفاق آراء به لغو پروانه روزنامه توس رای داد و پرونده روزنامه را به دادگاه فرستاد.^۵

در روز توقیف توس، ماموران دادگاه انقلاب با حکم جلب ناشر روزنامه، محمد صادق جوادی حصار، سردبیر، ماشاءالله شمس الواعظین، مدیر شرکت ناشر روزنامه، محمد محسن سازگارا، و طنز نویس آن، سید ابراهیم نبوی، به دفتر روزنامه رفتند. ماموران قوه قضائیه پیش از این به چاپخانه توس رفته و از توزیع آن جلوگیری کرده بودند. آقایان جوادی حصار، شمس الواعظین، و جلالی پور در همان روز بازداشت شدند.^۶ آقای نبوی که در آن روز بیرون تهران بود چند روز بعد خود را به مقامات تسلیم کرد.^۷ آقای سازگارا که به خارج سفر کرده بود به ایران بازگشت اما به علت بیماری قلب به بیمارستان رفت و تا زمانی که چهار همکارش به تدریج با قید ضمانت آزاد شدند بستری ماند.^۸ آزادی آخرین نفر در ۲۸ مهر، دو روز پیش از انتخابات مجلس خبرگان، صورت گرفت.^۹

توقیف توس زمانی رخ داد که آقای مهاجرانی از لبنان دیدار می‌کرد و ۸۰ نماینده محافظه‌کار مجلس از او خواسته بودند برای پاسخگویی در مجلس حاضر شود. آقای مهاجرانی در مصاحبه‌ای با روزنامه لبنانی السفير از

^۳ "بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، ۲۴ شهریور ۱۳۷۷، تورنمای "دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای"، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2904>، (دسترسی ۵ مرداد ۱۳۸۷).

^۴ پورا استاد، محاکمه توس، ۷۷-۱۱۵.

^۵ همان، ۴۵-۵۹.

^۶ همان، ۴۶.

^۷ همان، ۱۷۱-۱۷۳.

^۸ همان، ۱۸۵-۱۹۵.

^۹ همان، ۱۴۵.

توقیف توس دفاع کرد و گفت مسئولان آن روزنامه معتقد بودند جناح راست جمهوری اسلامی در انتخابات ریاست جمهوری شکست خورده و همانگونه که در اتحاد شوروی پیشین بوریس یلتسین توانسته بود به جای رئیس جمهور گورباچف بنشیند، حالا آن‌ها می‌توانند جای آقای خاتمی را بگیرند. آقای مهاجرانی همچنین گفت روزنامه توس به حمایت از رئیس جمهور خاتمی تظاهر می‌کرده، اما در حقیقت سخنگوی "نهضت آزادی ایران" بوده است. رهبر "نهضت آزادی"، دکتر ابراهیم یزدی، هرگونه ارتباط با توس را تکذیب کرد و گفت مقصود از اظهارات آقای مهاجرانی دفاع از خود او در برابر جناح راست جمهوری اسلامی بوده است.^{۱۰} سازمان "مجاهدین انقلاب اسلامی" که از رئیس جمهور خاتمی پشتیبانی کرده بود موضع آقای مهاجرانی را «کاملاً انفعالی و فرصت طلبانه» توصیف کرد. اما احمد توکلی، یکی از سیاستمداران محافظه‌کار، گفت آقای مهاجرانی باید توس را به محض انتشار توقیف می‌کرد.^{۱۱} آقای مهاجرانی در جریان استیضاح مجلس در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۷۸، که در پایان آن رای اعتماد مجلس را به دست آورد، ضمن دفاع از لغو امتیاز توس به علت «اهانت به امام»، از بازداشت مسئولان روزنامه انتقاد کرد و گفت:

مگر دادگاه انقلاب تیم توس را بازداشت نکرد؟ مگر بیش از یک ماه در زندان نبودند؟ مگر مطرح نشد که اینها محارب هستند؟ مگر مطرح نشد که اینها پول از عامل خارجی گرفته‌اند؟ چرا آزاد شدند؟ چرا ۸-۷ ماه است کسی سراغ آن‌ها را نمی‌گیرد؟ چرا پرونده مطرح نشد؟ چرا مسکوت ماند؟ [...] حداکثر کسانی هستند که ممکن است با ما اختلاف نظر یا اختلاف سلیقه داشته باشند. بنده هم ممکن است آن سلیقه سیاسی یا سلیقه مطبوعاتی را نپسندم، بگویم تند است، تندروی کرده‌اند، گاهی زحمت درست کرده‌اند. فضای مطبوعات نیاز به یک آرامش و یک رفتار پرطمینان دارد.^{۱۲}

آقای جوادی حصار نتوانست به انتشار روزنامه ادامه بدهد، اما آقایان شمس الواعظین و جلالی پور به مطبوعات بازگشتند و از امتیاز روزنامه‌های به نام نشاط، متعلق به لطیف صفری، از اعضاء پیشین مجلس شورای اسلامی، استفاده کردند.^{۱۳} نشاط در اسفند ۱۳۷۷ منتشر شد و در شهریور ۱۳۷۸ به دستور رئیس دادگاه مطبوعات، قاضی سعید مرتضوی، توقیف شد. علت توقیف چاپ مقاله‌ای بود در مخالفت با مجازات اعدام، نوشته حسین باقرزاده، فعال سیاسی تبعیدی مقیم انگلستان؛ مقاله‌ای درباره "قصاص"، از عمادالدین باقی، که نوشته‌هایش در چند روزنامه

^{۱۰} پورااستاد، محاکمه توس، ۵۳-۵۲.

^{۱۱} همان، ۵۵.

^{۱۲} مهاجرانی، استیضاح، ۲۱۵. فشار بر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پس از استیضاح آقای مهاجرانی ادامه پیدا کرد. ظرف چند هفته، معاون وزیر، احمد بورقانی، و یکی از دستیاران ارشد او، عیسی سحرخیز، که به رشد مطبوعات کمک کرده بودند وزارت ارشاد را ترک کردند. مدیرکل خبرگزاری جمهوری اسلامی، فریدون وردی‌نژاد، در خرداد ماه مدت کوتاهی بازداشت شد و به گزارش روزنامه‌ها به اتهام اختلاس، «تمسخر سازمان‌های عمومی» و «نشر اکاذیب، افتراء، و اتهام‌های بی‌اساس علیه دیگران»، که از طرف "صدا و سیما"، در حدود ۲۰ نماینده مجلس، ارتش و نیروی انتظامی وارد شده بود، محاکمه شد. گزارش‌های بخش جهانی بی‌بی‌سی، ۲۹ مه ۱۹۹۹ (۸ خرداد ۱۳۷۸)، http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle_east/355945.stm، و ۲ ژوئن ۱۹۹۹ (۱۲ خرداد ۱۳۷۸)، http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle_east/359251.stm، (دسترسی ۲۲ مرداد ۱۳۸۷). در پائیز ۱۳۸۰، آقای وردی‌نژاد به سفارت ایران در چین منصوب شد - تورنمای شخصی آقای وردی‌نژاد، <http://www.verdinejad.com/html/History.htm>، (دسترسی ۱۱ مرداد ۱۳۸۵) - و عبدالله ناصری طاهری جای او را در خبرگزاری جمهوری اسلامی گرفت.

^{۱۳} مهاجرانی، استیضاح، ۲۱۶-۲۱۵.

اصلاح طلب دیگر هم منتشر شده بود؛ و نامه‌ای انتقادی و سرگشاده به آیت‌الله خامنه‌ای، از مهندس عزت‌الله سبحانی، که پس از انقلاب مدتی وزیر و نماینده مجلس شده بود.^{۱۴} آقای صفری در ۲۰ شهریور به اتهام «افترا، تهمت و نشر اکاذیب علیه فرماندهان نیروی انتظامی، تحریک روزنامه‌نگاران به اعتصاب، برهم زدن امنیت ملی، اهانت به احکام مسلم دین مبین اسلام، توهین به رهبر معظم انقلاب و مسئولین نظام، تبلیغ برای گروه‌های غیرقانونی و معاند نظام و تبلیغ علیه نظام محاکمه شد. دادگاه «بدون مهلت تنفس از صبح تا ۴/۵ بعد از ظهر ادامه داشت»، اما «تنها به سه مورد از شکایات رسیدگی شد و در پایان با وجود درخواست مدیر مسئول نشاط برای ادامه دفاعیات در جلسه آتی، دادگاه کفایت رسیدگی را اعلام کرد.»

آقای صفری به ۳۰ ماه حبس تعزیری و ۵ سال محرومیت از مشاغل مطبوعاتی محکوم شد و امتیاز روزنامه نشاط نیز لغو شد. آقای صفری در آبان ماه با مراجعه به دادگاه تجدید نظر خواستار تبرئه از همه اتهامات شد، اما با تایید حکم در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۷۸ به زندان اوین رفت. کم‌تر از یک ماه بعد، روزنامه همشهری گزارش داد که شعبه ۳۴ دیوان عالی کشور درخواست آقای صفری برای اعاده دادرسی و تجدید نظر را رد کرده است.^{۱۵} در سال‌های بعد، آقای نبوی و آقای سازگارا هردو زندانی شدند و سپس به خارج رفتند و به اعتراض به جمهوری اسلامی ادامه دادند. آقای نبوی به نوشتن و اجرای برنامه‌های طنز پرداخت و آقای سازگارا یکی از بنیانگذاران ائتلافی شد که می‌کوشید قانون اساسی ایران را از راه رفراندوم تغییر بدهد.

پس از توقیف نشاط، آقای شمس‌الواعظین در ۱۱ مهر سردبیری روزنامه عصر آزادگان، به مدیر مسئولی غفور گرشاسبی، را بر عهده گرفت و چند روز بعد به دادگاه روزنامه نشاط رفت. در پایان جلسه، آقای شمس‌الواعظین گفت «به‌عنوان گواه» به پرسش‌های قاضی مرتضوی پاسخ داده بوده، نه به‌عنوان متهم، و حاضر است «در جلسه علنی و با حضور هیأت منصفه مطبوعات گواهی خود را در مورد اتهامات روزنامه نشاط اعلام» کند. یک هفته بعد کیهان خبر داد که حکم بازداشت آقای شمس‌الواعظین به علت عدم حضور در دادگاه مقدماتی صادر شده است. حکم در ۱۱ آبان اجرا شد و «دو مامور حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی» آقای شمس‌الواعظین را از دفتر روزنامه عصر آزادگان نخست به دادگاه مطبوعات و سپس به زندان اوین بردند. در دادگاه ادعا شد که مقاله مخالف اعدام نوشته آقای باقرزاده نبوده و آقای شمس‌الواعظین مقاله و امضای آقای باقرزاده را جعل کرده است. آقای شمس‌الواعظین پس از ۱۵ روز بازداشت و دو جلسه محاکمه با قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد شد. چند روز بعد، دادگستری تهران اعلام کرد که آقای شمس‌الواعظین «به اتهام جعل، استفاده از نوشته و مستند مجعول و صدور دستور چاپ دو مقاله موهن به احکام دین مبین اسلام و مقدسات و مسلمات قرآنی به تحمل سه سال حبس و پرداخت ۱۲ میلیون ریال جزای نقدی محکوم» شده است. حکم زندان در دادگاه تجدید نظر به ۲/۵ سال کاهش داده شد. با وجود اعتراض روزنامه‌نگاران و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، آقای مهاجرانی، آقای شمس‌الواعظین

^{۱۴} غلام رضا کاشی، مطبوعات در عصر خاتمی، مرداد ۷۶-مرداد ۷۹، تهران، سلک، ۱۳۷۹، ۱۲۹.

^{۱۵} همان، ۱۲۷-۱۲۶.

در ۲۲ فروردین ۱۳۷۹ به زندان اوین بازگشت.^{۱۶}

یک روز بعد از زندانی شدن آقای شمس الواعظین، آقای باقی در دادگاه حاضر شد تا از خود در برابر ۶ شکایت دفاع کند: دو شکایت از مدیر کل حقوقی وزارت اطلاعات، و چهار شکایت دیگر از: مدیر کل سابق اطلاعات در قم؛ فرماندار سابق قم؛ صدا و سیما؛ و رئیس دادگستری تهران، حجت الاسلام عباسعلی علیزاده، به عنوان مدعی العموم در مورد مقاله‌های مربوط به اعدام و قصاص که در شهریور ۱۳۷۸ منتشر شده بودند. در سومین جلسه تفهیم اتهام عنوان شد که «پیگیری قتل‌های زنجیره‌ای» موضوع ۱۷ شکایت دیگر از آقای باقی بوده است. در ۳۰ فروردین، آقای باقی دوباره به دادگاه مطبوعات احضار شد؛ در حضور وکیل خود، مسعود حائری، از چهار شکایت دیگر مطلع شد؛ و در ۱۳ اردیبهشت در محاکمه‌ای بدون هیأت منصفه شرکت کرد. آقای باقی دادگاه را به علت دلیل عدم حضور خبرنگاران غیر علنی خواند، اما قاضی مرتضوی گفت حضور «خبرنگاران خبرگزاری جمهوری اسلامی و صدا و سیما و خانواده شما برای علنی بودن کافی است.» دادگاه ۷ جلسه ادامه داشت و به علت نیاز آقای باقی به عمل جراحی با وقفه برگزار شد. در پایان جلسه ششم آقای باقی بازداشت و روانه زندان اوین شد و پس از گذراندن ۵۵ روز حبس انفرادی به بند عمومی ۳۲۵ منتقل شد. آخرین جلسه دادگاه در ۱۷ خرداد ۱۳۷۹ برگزار شد و آقای باقی به ۷/۵ سال حبس تعزیری محکوم شد که دو سال آن برای مدت ۵ سال تعلیق شد.^{۱۷}

برگزیدگان زندانی

ششمین جشنواره مطبوعات که قرار بود در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۷۸ افتتاح شود یک روز زودتر شروع به کار کرد تا با جلسه استیضاح آقای مهاجرانی برخورد نکند. در زمان برگزاری جشنواره، ایران دارای ۹۳۰ نشریه بود که به گفته رئیس "انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران"، رجبعلی مزروعی، می‌توانستند «دیدگاه‌های تمام گروه‌های اجتماعی را منعکس کنند».^{۱۸} تیراژ روزنامه‌ها به ۲/۷ میلیون نسخه در روز رسیده بود.^{۱۹} در هیأت داوران نهائی جشنواره، که بار دیگر توسط خود روزنامه‌نگاران انتخاب شده بود، برای اولین بار یک زن (لیلا رستگار) عضویت داشت.^{۲۰} هیأت داوران گزارش‌های توصیفی، آثار طراحی گرافیک، داستان‌های کودکان و طنز را بهتر از سال‌های گذشته توصیف کرد، اما گفت:

^{۱۶} کاشی، مطبوعات در عصر خاتمی، ۱۳۲-۱۲۸. عصر آزادگان و ۲۲ نشریه دیگر در بهار ۱۳۷۹ توقیف شدند. در اسفند ۱۳۸۳، دیوان عالی کشور حکم توقیف روزنامه نشاط را لغو کرد و شایع شد که نشاط برای حمایت از آقای رفسنجانی در انتخابات ریاست جمهوری منتشر خواهد شد. اما سردبیر نشاط، آقای شمس الواعظین، گفت ترجیح می‌دهد روزنامه را پس از انتخابات منتشر کند تا «در معاملات انتخاباتی» گرفتار نشود- تورنمای خبری انتخاب، <http://www.entekhab.ir/display/?ID=930&page=1>، (دسترسی ۲۱ اسفند ۱۳۸۳). اما رئیس دادگستری تهران، آقای علیزاده، گفت حکم دیوان عالی کشور فقط برای رسیدگی مجدد به پرونده صادر شده بوده، نه برای لغو حکم توقیف - خبرگزاری دانشجویان ایران، <http://www.isna.ir/Main/NewsView.aspx?ID=News-505976>، (دسترسی ۲۳ اسفند ۱۳۸۳).

^{۱۷} کاشی، مطبوعات در عصر خاتمی، ۱۵۵-۱۵۴.

^{۱۸} رجبعلی مزروعی، عضو شورای سردبیری سلام و رئیس "انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران"، "میزگرد آزادی و مطبوعات"، کتاب جشنواره ششم مطبوعات، معاونت امور مطبوعاتی و تبلیغاتی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۸، ۵۴.

^{۱۹} شعبان شهیدی مودب، معاون امور مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، "میزگرد آزادی و مطبوعات"، کتاب جشنواره ششم، ۶۰.

^{۲۰} "زندگی نامه داوران جشنواره"، کتاب جشنواره ششم، ص ۶۸.

به دلیل فقدان آثاری که از قوت و کیفیت لازم برخوردار باشند، در برخی گرایش‌ها تنها به معرفی مقام دوم اکتفا شد و این در حالی است که جامعه ما در رشته‌هایی چون معارف اسلامی و مقاله فرهنگی به شدت احساس نیاز می‌کند. در سه رشته دیگر نیز اساساً روزنامه‌نگار برتر انتخاب نشد. یکی از این سه رشته "خبر" بود که از ارکان روزنامه‌نگاری به شمار می‌آید و رشته دیگر مربوط به علوم انسانی می‌شد که با وجود اهمیت فراوان آن، به دلیل ضعف آثار دریافتی، دشواری قضاوت، و نامتناسب و ناهمگون بودن آثار برنده‌ای معرفی نشد.^{۲۱}

چند روزنامه محافظه‌کار، از جمله کیهان، رسالت، ابرار، و قدس از شرکت در جشنواره خودداری کردند، زیرا «در بخش مسابقه مقالات، با بعضی از داوران انتخاب شده توسط خود مطبوعاتی‌ها موافق نبودند.»^{۲۲} ۱۳ جایزه اول به مطالبی از روزنامه توقیف شده جامعه و سه جایزه به روزنامه سلام داده شد. ۸ تن از ۴۶ برنده جشنواره (۱۷/۴ درصد) زن بودند،^{۲۳} یکی از آنان خبرنگار سلام و برنده یک جشنواره پیشین، عذرا مشهدالکوبه فراهانی بود که در سال ۱۳۷۶ با آیت‌الله یزدی روبرو شده بود. موضوع مطالب برگزیده خانم فراهانی عبارت بود از: مرگ یک جوان و درگیری مردم محله او با ماموران انتظامی؛ محاکمه افراد متهم به حمله به وزیر کشور، عبدالله نوری، و آقای مهاجرانی در دانشگاه تهران در شهریور ۱۳۷۷، که شرکت خود را در آن واقعه انکار کرده بودند؛ و کشته شدن چند نفر، از جمله چند دانش آموز، در منطقه تهران پارس تهران، در اثر برخورد یک کامیون حامل سنگ با مینی بوس مدرسه.^{۲۴} شهلا کشاورز، طراح جدول کلمات متقاطع فارسی-انگلیسی از دیگر زنان روزنامه‌نگار برگزیده جشنواره ششم بود.^{۲۵}

بسیاری از جوایز دیگر به مطالب به شدت انتقادی تعلق گرفتند. در مقاله‌ای از علی ربیعی، مدیر مسئول روزنامه کاروکارگر، که پس از قتل داریوش و پروانه فروهر نوشته شده بود آمده بود که این دو مورد و همچنین قتل‌های مشکوک معترضان «بی‌خطر» دیگر باید به دقت بررسی شوند، اگر نه «بازنده کسی جز مدافعین انقلاب» نخواهند بود.^{۲۶} یک نکته مهم در این مقاله اشاره نویسنده به قتل پیروز دوانی و مجید شریف بود که گمان می‌رفت آن‌ها نیز در ترورهای سیاسی کشته شده باشند، اما نامشان در فهرستی که وزارت اطلاعات از قربانیان "عناصر خودسر" آن وزارت منتشر کرد ذکر نشده بود. مقاله‌های برگزیده دیگر از دو نویسنده، محمد مختاری و محمدجعفر پوینده، سخن گفتند که چند روز پس از داریوش و پروانه فروهر در ماجرائی که به «قتل‌های زنجیره‌ای» معروف شد کشته شدند. کاریکاتوری با عنوان "به یاد پوینده، مختاری و..."، در روزنامه زن که اندکی پیش از برگزاری جشنواره توقیف شده بود، نویسنده‌ای را نشان می‌داد که خون از جای اصابت گلوله به سرش روان بود اما لوله اسلحه را که

^{۲۱} بیانیه هیأت داوران نهائی ششمین جشنواره مطبوعات، " کتاب جشنواره ششم، ص ۶۵. سومین رشته‌ای که در آن "روزنامه نگار برتر" انتخاب نشد در بیانیه ذکر نشده است.

^{۲۲} "مقدمه"، کتاب جشنواره ششم، ۷.

^{۲۳} "فهرست مطالب"، کتاب جشنواره ششم، ۶-۳.

^{۲۴} عذرا مشهدالکوبه فراهانی، "روز گذشته در پل ساوه، مرگ جوان ۱۶ ساله منجر به درگیری سه ساعته بین مردم و مأمورین انتظامی شد"، سلام، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۷؛ "متهمان پرونده ضاربان آقایان نوری و مهاجرانی شرکت خود را در این واقعه انکار کردند"، سلام، ۱۲ آبان ۱۳۷۷؛ "نگاهی دوباره به حادثه دلخراش تصادف در تهران پارس"، سلام، ۲۹ مهر ۱۳۷۷؛ در کتاب جشنواره ششم، به ترتیب ۲۱۷-۲۱۶، ۲۲۲-۲۱۸، و ۲۲۶-۲۲۳.

^{۲۵} شهلا کشاورز، "جدول و مثل انگلیسی"، مجموعه جدول، ویژه نامه تابستان ۷۷، در کتاب جشنواره ششم، ۳۳۷.

^{۲۶} علی ربیعی، "خط نفوذی را جدی بگیرد"، کتاب جشنواره ششم، ۹۳-۹۱.

دود از آن برمی‌خواست در دست داشت و با آن می‌نوشت.^{۲۷} عکسی برگزیده از ماهنامه پیام امروز مادر آقای پوینده را نشان می‌داد که بانوی سوگوار دیگری را در آغوش گرفته بود و پلاکاردی در دست داشت که بر روی آن ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ترجمه آقای پوینده، که در همان روزها منتشر شده بود، به این شرح نوشته شده بود: «هیچ کس نباید شکنجه شود، یا تحت مجازات یا رفتاری ظالمانه، ضد انسانی، یا تحقیرآمیز قرار گیرد.»^{۲۸}

مقاله‌های برگزیده از روزنامه جامعه و ماهنامه حقوق و اجتماع از نظام قضائی کشور، به‌ویژه برخورد آن با روزنامه‌نگاران و شهردار پیشین تهران، غلامحسین کرباسچی، که به اتهام سوءاستفاده مالی زندانی شده بود، به شدت انتقاد کرده بودند.^{۲۹} گزارشگران برگزیده هفته نامه ایران جوان، از انتشارات خبرگزاری جمهوری اسلامی، تصاویر تکان دهنده‌ای از زندگی در پایتخت کشور ترسیم کرده بودند: وضعیت بیماران مبتلا به ایدز در بیمارستانی در تهران؛ تهی دستانی که کلیه خود را می‌فروشد؛ تخریب خانه‌ای در یک محله فقیر نشین جنوب شهر توسط کارگران شهرداری که می‌گفتند خانه بدون پروانه ساخته شده؛ تجمع معتادان در زمین بایری پر از سرنگ در همان منطقه؛ و جوانانی که در محله‌های مرفه شمال تهران برای «سرگرمی» از فروشگاه‌ها دزدی می‌کردند، و می‌دانستند اگر دستگیر شوند خانواده‌هایشان خواهند توانست با پرداخت ضمانت آزادشان کنند.^{۳۰}

«انتقادهای بسیار حساس»

بررسی مطالب انتقادی مطبوعات ایران در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۸ نشان داد که میزان «نقد» یا انتقاد «حساس»، یعنی گذشتن از «خودسانسوری و ترس از منابع قدرت» و «توجه به علت به جای معلول»، در مقایسه با انتقاد غیرحساس یا «نق»، و پرداختن به «مقوله‌هایی چون شلوغی ترافیک و چاله‌های آسفالت خیابان»، در فاصله این دو سال ده برابر شده بود. روزنامه‌های «دوم خردادی» در مقایسه با روزنامه‌های «جناح راست» و سایر روزنامه‌ها انتقادهای حساس بیشتری چاپ کرده و «قوه قضائیه، قوه مقننه - به‌ویژه شورای نگهبان - صدا و سیما» و گروه‌های سیاسی بدون شناسنامه - از جمله گروه‌های فشار» را هدف گرفته بودند. در روزنامه‌های «دوم خردادی» انتقادهای «متکی بر ایدئولوژی غیردینی» و «انتقاد در قالب طنز تصویری» بیشتر بود، و در روزنامه‌های «جناح راست» انتقاد «متکی بر دین، مذهب و ایدئولوژی دینی». انتقادهای روزنامه‌های «جناح راست» کمتر از دوگروه دیگر «به انگیزه پاسداری از منافع عموم مردم»، بیشتر از آنان «نومید ساز و با زبان فحاشی یا شبه فحاشی»، و در نتیجه «مخرب» تر بود. در این نشریات «انتقاد در قالب طنز مکتوب بیش از دو گروه دیگر» بود و بیش از بقیه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مطبوعات و روزنامه‌نگاران جناح مقابل را هدف گرفته بود. در سال ۱۳۷۸، مطبوعات

^{۲۷} مانا نیستانی، کاریکاتور با عنوان "به یاد مختاری، پوینده و ..."، کتاب جشنواره ششم، ۲۸۷.

^{۲۸} جواد منتظری، عکس با عنوان "مادر پوینده"، کتاب جشنواره ششم، ۲۰۳.

^{۲۹} شادی صدر، "طعم گیلاس، آینه، و حقوق پدیدآورنده"، جامعه، ۲۶ فروردین ۱۳۷۷، و مقالات دیگر، در کتاب جشنواره ششم، ۱۰۸-۹۸؛ محمد رضا کامیار، "محاکمه‌ای که در خلاء قانونی برپا شد"، و مقالات دیگر، حقوق و اجتماع، مرداد و شهریور ۱۳۷۷، کتاب جشنواره ششم، ۱۷۸-۱۵۶.

^{۳۰} عباس اسدی، "اتاق ایزوله، آخرین ایستگاه مبتلایان ایدز"، کتاب جشنواره ششم، ۲۶۲-۲۲۷.

برای نخستین بار از زمان انقلاب «وارد عرصه موضوعات بسیار حساس شده» و نه تنها از رئیس جمهور انتقاد کرده بودند، بلکه به گونه ای بی سابقه به انتقاد از رهبر نیز پرداخته بودند.^{۳۱}

از دید جناح محافظه کار، روزنامه های اصلاح طلب - به ویژه سلام، توس و نشاط که محافظه کاران آن ها را «روزنامه های زنجیره ای» می نامیدند - با مطرح کردن این فکر که تفاوت ادیان ریشه در ویژگی های جغرافیائی و محیط زیست دارد و همه گونه تعبیری از دین موجه است به ایمان مردم حمله کرده بودند. این روزنامه ها همچنین متهم بودند که به فقه شیعه حمله آورده و گفته بودند موازین آن بهانه به دست مروجان خشونت می دهد؛ مراسم سوگواری شیعه را با این ادعا که غمگساری را تبلیغ می کنند یا به خشونت دامن می زنند تضعیف کرده بودند؛ به «ترویج خوانندگان و هنرپیشگان آلوده دوران سیاه فساد و فحشا» پرداخته بودند؛ و «تصویر هنرپیشگان زن را در حجم و شمارگان وسیع» منتشر می کردند. محافظه کاران می گفتند هفته نامه ایران جوان با چاپ مطالبی از «زبان خوانندگان» خود «رندانه به ترویج ارتباط دختر و پسر» پرداخته و «در هر شماره از تصاویر و یا داستان های هیجان انگیز و شهوانی بهره می برد و با همین حربه خود را پرتیراژترین هفته نامه» معرفی می کند. ایران جوان همچنین متهم بود که «با توجه به رنگی بودن آن از لیبرالیسم جنسی در قالب عکس و تصویر نیز بهره می گرفت و در هر شماره خود در روی جلد و داخل مجله، یا چاپ عکس های مهیج و محرک نظرها را به خود جلب می کرد.» «روزنامه های زنجیره ای» متهم بودند که اصل ولایت فقیه را دیکتاتوری خوانده و قانون اساسی را هدف قرار داده و گفته بودند دخالت فقه در آن به تناقض و نقائص قانونی منجر شده است. از دید محافظه کاران، حمایت مخالفان جمهوری اسلامی در خارج کشور از روزنامه های اصلاح طلب و استناد آنان به نوشته های این روزنامه ها نشانه «هماهنگی مطبوعات زنجیره ای و جریان ضد انقلاب» بود.^{۳۲}

ششمین قانون مطبوعات ایران

هشدارهای آیت الله خامنه ای درباره «تهاجم فرهنگی» و درخواست مقابله با آن در پائیز ۱۳۷۷ و بهار ۱۳۷۸ ادامه داشت. در مهرماه، آیت الله خامنه ای در دیدار با اعضای «شورای عالی مدیریت حوزه علمیه قم» گفت «شبهه های سیاسی و دینی در کشور به وجود آمده که در مقایسه با گذشته بیشتر است» و «رادپوهای بیگانه نیز به طور مستمر در حال ابداع شبهه هستند و عناصری را در داخل به این معنا تشویق و ترغیب می کنند» و حوزه علمیه می تواند «به شبهات مربوط به مبانی فکری که به اصل نظام اسلامی و دین برمی گردد پاسخ دقیق بدهد.»^{۳۳} یک هفته بعد، آیت الله خامنه ای در دیدار با «جمعی از جهادگران جهاد سازندگی» گفت:

^{۳۱} مهدی محسنیان راد، رسانه، سال دوازدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۰، ۱۳۹-۱۳۶.

^{۳۲} حمید رسائی، پایان داستان غم انگیز: نگاهی به زمینه های صدور حکم حکومتی مقام معظم رهبری در باره قانون مطبوعات، تهران، انتشارات کیهان، جلد ۱، چاپ پنجم، ۱۳۸۱، ۱۶۵-۹۶. آقای رسائی در زیرنویسی مربوط به ایران جوان (ص ۱۲۸) جزئیات چند تصویر موضوع اتهام را ذکر می کند، کاری که با هدف جلوگیری از «ترویج» چنین تصاویری متناقض به نظر می رسد.

^{۳۳} «دیدار اعضای شورای عالی مدیریت حوزه علمیه قم»، ۹ مهر ۱۳۷۷، تورنمای «پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری»، <http://www.leader.ir/langs/fa/?p=contentShow&id=1667>، (دسترسی ۲۳ آذر ۱۳۸۷).

از اوّل انقلاب هم فشار زیاد بوده است؛ نه این‌که امروز خصوصیتی دارد. البته گاهی اوقات در داخل، بعضی از افراد غریبه - واقعاً باید گفت غریبه - و بیگانه‌صفت، حرف‌هایی می‌زنند، یا کارهایی می‌کنند که دشمن، تطمیع و تشجیع می‌شود و فشارها را زیاد می‌کند! گاهی هم این‌طور نیست. آنچه که این دشمن را در همهٔ ادوار مایوس و رد کرده است، همین ایمان است. این که من نسبت به روزنامه‌ها هشدار دادم و باز هم آن را تکرار می‌کنم، به خاطر این است. البته بحث همهٔ روزنامه‌ها نیست؛ بحث تعداد خیلی از روزنامه‌هاست. فرقی نمی‌کند؛ قلیل و کثیر ندارد. بعضی از این طرف و آن طرف فریاد بلند کردند که «آقا مگر شما با آزادی مطبوعات مخالفید؟ شما که گفتید ما حرف مخالف را تحمل می‌کنیم.» بله؛ حالا هم می‌گوییم. بنده حالا هم می‌گویم: کسانی که نظر مخالفی دارند - در هر مسأله و در هر زمینه - مخالفت خودشان را بنویسند، بگویند، چاپ و منتشر کنند؛ کسی به آن کاری ندارد. اما فرق است بین آن کسی که نظر مخالفی دارد و این نظر مخالف را بیان می‌کند، با کسی که در زیر نقاب اعلام یک نظر مخالف، توطئه می‌کند و دشمنی می‌ورزد.

اگر امروز کسی از لحاظ اقتصادی در کار این دولت خدمتگزار، اخلال کند، او دشمن ماست، باید با او مقابله کنیم. دشمنی، دشمنی است. دشمنی در عرصه اقتصادی دشمنی است و باید با آن مقابله کرد. دشمنی در عرصه نظامی و دشمنی در صحنه کار امنیتی، دشمنی است و باید با آن مقابله کرد. دشمنی در عرصه کار فرهنگی هم دشمنی این است. اگر کسی می‌نشیند و یک سلسله نوشته را در ظرف ده روز، یا بیست روز جور می‌کند و تدریجاً در روزنامه‌ای نشر می‌دهد، هدف آن نوشته این است که در مجموع - در پایان کار - مردم را نسبت به آینده خود ناامید سازد و وضعیت کشور را آن‌چنان بد تصویر کند که برای هیچ‌کس نشاط کار کردن باقی نماند. این توطئه است.^{۳۴}

و باز در مهرماه، آیت‌الله خامنه‌ای بر جوان بودن جمعیت کشور و اهمیت دانشگاه‌ها تاکید کرد و گفت:

دشمن در صدد است از این موقعیت و فرصت سوء استفاده کند و با سست کردن ایمان جوانان از جمله جوانان دانشگاهی اساس نظام را دچار اخلال سازد، بنا بر این در این زمینه یک پیکار فرهنگی، سیاسی و فکری واقعی میان لشکر انقلاب و دشمن انقلاب در جریان است و عاشقان نظام و اسلام و انقلاب باید با حضور هوشیارانه در این میدان، قدر جوانان و ارزش جوان بودن جمعیت کشور را بیش از دیگران درک کنند [...] دانشگاه عرصه بسیار حساس و مهمی است و دشمن برای آن، خوابهای زیادی دیده است و تمامی عناصر حقیقی و حقوقی که با جوانان دانشگاهی سر و کار دارند باید با برخورد صحیح، تکیه بر علم و تقوا و هوشیاری کامل در این عرصه، به فعالیت مؤثر بپردازند.^{۳۵}

در دی ماه، آیت‌الله خامنه‌ای در یکی از خطبه‌های نماز جمعه خود هشدار داد که «یک ملت هرچه قدرتمند باشد، هرچه ثروتمند باشد» در اثر بالا گرفتن اختلاف «بدبخت و بیچاره خواهد شد» و افزود:

^{۳۴} "بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از جهادگران جهاد سازندگی"، ۱۵ مهر ۱۳۷۷، تورنمای "دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای"، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2909>، (دسترسی ۲۳ آذر ۱۳۸۷).
^{۳۵} "دیدار مسؤولان دفاتر نمایندگی ولی‌فقیه در دانشگاه‌ها"، ۲۰ مهر ۱۳۷۷، تورنمای "پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری"، <http://www.leader.ir/langs/fa/?p=contentShow&id=1673>، (دسترسی ۲۳ آذر ۱۳۸۷).

اختلافات که گفته می‌شود، مقصود اختلاف سلیقه نیست. اختلاف سلیقه هست. اگر اختلاف خط، اختلاف جهت، اختلاف مذاق باشد، اشکالی ندارد. اختلافات، یعنی درگیریهایی سیاسی‌ای که فضا را متشنج می‌کند. این که من گاهی از بعضی از روزنامه‌ها گله می‌کنم، به این خاطر است. فوراً بعضی‌ها فریادشان بلند نشود که «آزادی» محدود شد؛ نه. برای شعار آزادی ما بارها جان خودمان را در معرض مرگ قرار داده‌ایم! کسانی که اهل دینند، بیشتر از همه از آزادی دفاع می‌کنند. بنابراین، بحث «آزادی» نیست؛ بحث این است که از این آزادی که وجود دارد و از اول انقلاب هم وجود داشته است، کسانی برای متشنج کردن فضا استفاده نکنند. انسان وقتی بعضی از روزنامه‌ها را نگاه می‌کند، می‌بیند کأنه این عنوان‌های درشت را طوری انتخاب کرده‌اند، برای این که یک گروه را به جان یک گروه دیگر بیندازند! این نقش همان بوق‌های تبلیغاتی است؛ این بد است. روزنامه‌ها باید کاری کنند که دل‌ها را به هم نزدیک نمایند؛ جناح‌ها را به هم نزدیک نمایند.^{۳۶}

دو هفته بعد، آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با رئیس‌جمهور خاتمی و اعضای "شورای عالی انقلاب فرهنگی" گفت «من یک عنصر فرهنگی هستم و مطلقاً از طرح فکر مخالف احساس وحشت نمی‌کنم»، اما «بیکار بودن و کم کاری دستگاه مسئول امور فرهنگی کشور در مقابل طرح نظرات غلط و ناحق خطرناک است و این امر موجب نگرانی است.» آیت‌الله خامنه‌ای گفت «دست اندرکاران آموزش عالی اگر بتوانند جوانان دانشجویان را متدین کنند دنیا و آخرت خود و دانشجویان را آباد کرده‌اند.» آیت‌الله خامنه‌ای سپس از «جهت‌گیری‌ها و تعصب خاص» مطبوعات آمریکائی و «مقدس بودن صهیونیسم و اسرائیل» از دید آنان سخن گفت و افزود «بنابر این به صرف اینکه مطبوعات رکنی از ارکان آزادی و حقوق مردم است نمی‌توان هرچه در امر مطبوعات و میدان کار مطبوعاتی می‌گذرد قبول کرد و خطرهای واضح فرهنگی را که بر ضد ذهن و دین و ایمان مردم وجود دارد و پیوسته در حال تقویت است نادیده» گرفت.^{۳۷}

«مصونیت جوانان»

در اریب‌هشت ۱۳۷۸، آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با ناشران کتاب گفت «وقتی که یک اثر هنری و یک نوشته و یک عکس، یک تأثیر ویرانگر اخلاقی دارد، این قابل پاسخگویی نیست. جلوی این کار فرهنگی را باید گرفت؛ این آن ممیزی واجب است که در جنجال علیه ممیزی و سانسور نباید هدف را گم کرد.» آیت‌الله خامنه‌ای همچنین قانون ممنوعیت استفاده از دستگاه‌های دریافت تلویزیون ماهواره‌ای را که مجلس چند سال پیش تصویب کرده بود «کاملاً درست و به جا» خواند و خطاب به مسئولان گفت «شما باید به موازات این کار، وسایل مصون‌سازی را فراهم کنید. جوانان را مصون کنید، ذهن‌ها را مصون کنید، دل‌ها را مصون کنید که اگر علی‌رغم شما، روزی دشمن

^{۳۶} "خطبه‌های مقام معظم رهبری در نماز جمعه تهران"، ۴ دی ۱۳۷۷، تورنمای "دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای"، (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2922>)، (دسترسی ۲۳ آذر ۱۳۸۷).

^{۳۷} "دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی"، ۱۵ دی ۱۳۷۷، تورنمای "دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای"، (<http://www.leader.ir/langs/fa/?p=contentShow&id=1705>)، (دسترسی ۲۳ آذر ۱۳۸۷).

توانست نفوذ کند، شما قبلاً مصونیت ایجاد کرده باشید.»^{۳۸}

در ۹ خرداد ۱۳۷۸، طرحی با امضای ۲۱ نماینده مجلس برای اصلاح قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ در دستور کار "کمیسیون فرهنگ و ارشاد اسلامی" قرار گرفت. ارائه طرح انتقاد شدید مطبوعات اصلاح طلب را به دنبال داشت که می‌گفتند طرح با افزودن دو روحانی به "هیأت نظارت بر مطبوعات" از نقش وزارت ارشاد در این هیأت که مسئولیت رسیدگی به تقاضای امتیاز نشر و تخصیص یارانه به مطبوعات را بر عهده دارد خواهد کاست. منتقدان همچنین می‌گفتند طرح به قوه قضائیه اختیار آن را خواهد داد که اعضاء هیأت منصفه دادگاه مطبوعات را به تنهایی تعیین کند، در حالی که بنا بر قانون موجود هر سه قوه می‌بایست در این کار شرکت داشته باشند. انتقاد دیگر این بود که در صورت بروز تخلف مطبوعاتی، نه تنها ناشر، بلکه شخص نویسنده را نیز مسئول می‌شناخت.^{۳۹} با وجود مخالفت شدید در داخل و خارج مجلس، طرح در شانزدهم تیر ۱۳۷۸ در صحن مجلس مطرح شد و کلیات آن در اولین شور به تصویب رسید.^{۴۰}

در پانزدهم تیر ماه، یک روز پیش از تصویب طرح، روزنامه سلام در صفحه اول خود گزارشی چاپ کرد و «پیشنهاد اصلاح قانون مطبوعات» را به سعید امامی،^{۴۱} یا اسلامی، از اعضاء ارشد وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی نسبت داد که دولت او را مسئول قتل داریوش و پروانه فروهر، محمد مختاری، و محمد جعفر پوینده دانسته و بازداشت کرده بود. دو هفته پیش از تصویب طرح رسماً اعلام شده بود که سعید امامی در زندان خودکشی کرده است. گزارش سلام نه تنها نتوانست جلوی تصویب طرح را بگیرد، بلکه باعث شد "دادگاه ویژه روحانیت" در شانزدهم تیرماه ناشر و مدیر مسئول روزنامه، حجت الاسلام سید محمد خوئینی‌ها، را برای بازجویی احضار کند و به او دستور بدهد که انتشار روزنامه را متوقف کند و در انتظار تشکیل دادگاه باشد.^{۴۲} بسیاری از این تصمیم انتقاد کردند، از جمله وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، آقای مهاجرانی، گفت سلام باید به جای توقیف شدن جایزه دریافت می‌کرد زیرا «روندی را که با تهدید روشنفکران، مطبوعات، و نویسندگان آغاز شده و به قتل نویسندگان انجامیده» افشاء کرده بود. آقای مهاجرانی همچنین گفت بنا بر قانون اساسی، به تخلف‌های مطبوعات باید در دادگاه مطبوعات رسیدگی شود، نه در دادگاه ویژه روحانیت یا دادگاه انقلاب.^{۴۳} توقیف سلام به چهار روز اعتراض در کوی دانشجویان دانشگاه تهران و سپس دو روز شورش در مرکز تهران انجامید که توسط نیروی انتظامی و افرادی موسوم به «لباس شخصی» پایان یافت. یک نفر (عزت‌الله ابراهیم‌نژاد) در درگیری‌ها کشته شد. چند نفر زخمی و تعدادی از دانشجویان زندانی شدند. در تحقیقات رسمی، ماموران نیروی انتظامی، جز در چند مورد محدود مانند

^{۳۸} متن کامل بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی پس از بازدید از نمایشگاه کتاب در حسینیه امام خمینی (ره)، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۷۸، تورنمای "دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله‌العظمی‌خامنه‌ای"، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2944>، (دسترسی ۲۲ آذر ۱۳۸۷).

^{۳۹} رسائی، پایان داستان غم انگیز، جلد دوم، ۱۵۵-۱۳۶.

^{۴۰} همان، ۸۷-۸۸.

^{۴۱} صفحه اول سلام، ۱۵ تیر ۱۳۷۸، چاپ شده در محاکمه سلام، ۳۶۷.

^{۴۲} حمید کاویانی، در جستجوی محفل جنایتکاران، تهران، نگاه امروز، ۱۳۷۸، ۱۷۰-۱۳۸.

^{۴۳} پوراستاد، محاکمه سلام، ۲۱۱-۲۱۰.

«دزدیدن ماشین ریش تراش یک دانشجو»، از اتهامات وارده تیرئه شدند.^{۴۴}

محاکمه آقای خوئینی‌ها در ۳ مرداد ۱۳۷۸ در دادگاه ویژه روحانیت آغاز شد. پس از اعلام نظر هیأت منصفه، که آقای خوئینی‌ها را در مورد ۳ شکایت مجرم تشخیص داده و او را مستحق تخفیف ندانسته بود، دادگاه رای خود را در ۱۰ مرداد اعلام کرد. در مورد شکایت استاندار سابق اردبیل، محمود احمدی‌نژاد، که گفته بود سلام در گزارشی در سال ۱۳۷۶ در تحلیل انتخابات مجلس، او و «مدیریت استان» را از جمله به «دست بردن در آمار جمعیتی بخش‌هایی از استان اردبیل، ایجاد رویه ارائه گزارش‌هایی غیر واقعی به مردم و نقض مقررات و قوانین به خاطر منافع گروهی» متهم کرده بود، دادگاه «مجرمیت متهم در خصوص نشر اکاذیب به قصد اضرار به غیر» را «محرز» دانست و آقای خوئینی‌ها را «به تحمل شش ماه حبس تعزیری محکوم نموده و با عنایت به ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی به لحاظ خدمات متهم در قبل و بعد از انقلاب و وضع خاص وی، مجازات مزبور را به پرداخت ۵ میلیون ریال جزای نقدی تبدیل» کرد.

در مورد «درج خبر نامه منسوب به سعید امامی» که «وزارت اطلاعات با صراحت» آن را «خیلی محرمانه» اعلام کرده بود آقای خوئینی‌ها «به تحمل سه سال حبس محکوم» شد، اما علاوه بر ملاحظات مشابه مورد قبل، به این علت که آقای خوئینی‌ها در پایان جلسه دادرسی «به اشتباه خود در انتشار نامه، قبل از بررسی و تحقیق از مراجع زیربط اذعان» کرده بود، این مجازات به «تعطیل روزنامه سلام به مدت ۵ سال تبدیل» شد.

آقای خوئینی‌ها در دو مورد دیگر نیز مجرم شناخته شد: نخست، «اتهام جعل از طریق تحریف سند دولتی»، از آن رو که پیشنهاد اصلاح قانون مطبوعات از «حوزه مشاورین» وزیر اطلاعات صادر شده بود، «و نه شخص سعید امامی»، و در طرح آمده بوده که حل «مشکلات فرهنگی» مورد بحث «از طریق اصلاح قانون مطبوعات امکان پذیر نیست، در صورتی که تیتراژ مذکور پیشنهاد اصلاح قانون مطبوعات را به این نامه مستند می‌کند؛ و دیگر «شکایت جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی مبنی بر نشر اکاذیب به منظور تشویش اذهان عمومی و افترا به آنان از طریق درج این نامه و وانمود کردن این که طرح اصلاح قانون مطبوعات الهام گرفته از سعید امامی و نامه چاپ شده در روزنامه سلام» بوده. دادگاه دفاع آقای خوئینی‌ها را که گفته بود در نوشته روزنامه سلام «در مورد شاکیان کلمه رکیک و ناروایی به کار نبرده» بوده رد کرد و گفت «مطرح نمودن این که طرح مجلس برگرفته از نظریات فرد متهم به جاسوسی و قتل می‌باشد، از باب "الکنایه ابلاغ من التصریح" [اشاره از صراحت گویاتر است]، از به کار بردن کلمات رکیک بدتر بوده و از مصادیق توهین می‌باشد.» در این دو مورد، دادگاه ویژه روحانیت آقای خوئینی‌ها را مجموعاً «به پرداخت ۱۸ میلیون ریال جزای نقدی محکوم» کرد.

پس از ابلاغ رای، آقای خوئینی‌ها در حاشیه آن نوشت که نسبت به آن اعتراض نخواهد کرد، اما «برخورد با مطبوعات، به ویژه تعطیل مطبوعات» را «به هیچ وجه به صلاح جمهوری اسلامی ایران» ندانست. آقای خوئینی‌ها

^{۴۴} جمشید برزگر، «کوی دانشگاه؛ یک پرونده، چند دادگاه»، بخش فارسی بی‌بی‌سی، ۱۷ تیر ۱۳۸۳.

http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2004/07/040707_a_jb_18tir_court.shtml (دسترسی ۲۳ شهریور ۱۳۸۷).

گفت «مطبوعات سرمایه‌های کشورند و در تحکیم و ثبات و استمرار نظام نقشی بی‌بدیل دارند و نباید این سرمایه‌ها را به آسانی از دست داد»، و افزود: «حتی مطبوعاتی که برخلاف عقیده و صلاح‌دید ما می‌نویسند و حتی مطبوعاتی که نسبت به نظام بی‌مهری و یا خدای نخواستہ جفا می‌کنند، باز هم باید آن‌ها را تحمل کرد که قطعاً در درازمدت به نفع نظام و منافع ملی است.»^{۴۵}

«امنیت سیاسی»

در ماه‌های بعد، آیت‌الله‌خامنه‌ای و روحانیان ارشد مستقر در قم بارها درباره مطبوعات سخنرانی کردند.^{۴۶} در شهریور ۱۳۷۸، آیت‌الله‌خامنه‌ای در سفری به خراسان نخست در جمع مردم شهرستان قائنات بار دیگر از مسئولان خواست که «این نسل نخواستہ، جوان، پاک، هنرمند، معصوم و نورانی را در برابر تیرهای زهرآگین دشمنان مصونیت ببخشند»،^{۴۷} و دو روز بعد، در دیدار نیروهای سپاه پاسداران و بسیج مردمی شهر مشهد، گفت:

امنیت سیاسی معنایش این است که تفکرات و معارف سیاسی در جامعه، معارف واضح و دور از نفاق و دوگونه‌گویی و دوگونه‌اندیشی باشد. معنایش این است که کسانی که متصدی بیان مسائل سیاسی برای مردم هستند، نسبت به مردم امانت به‌خرج دهند. معنایش این است که کسانی که متصدی نوشتن و پخش کردن و منتشر کردن معارف فکری جامعه هستند، دروغ نگویند، فریب ندهند، تقلب نکنند و در طعانی که علی‌الظاهر شیرین هم هست، زهر مخلوط نکنند؛ این امنیت سیاسی است. آن قلمی که برمی‌دارد بیست سال تلاش و مجاهدت مظلومانه و فداکارانه این ملت را در مقابله با قدرت‌های زورگویی چپاولگر دشمن ظالم انکار می‌کند، این امنیت سیاسی کشور را به هم می‌زند و ناامنی فکری ایجاد می‌کند. آن کسی که در داخل کشور، با استفاده از امکاناتی که قانون و بیت‌المال این مردم در اختیار او گذاشته است، برمی‌دارد خواسته‌های دولتمردان و سیاستمداران فلان کشور دشمن را توجیه می‌کند و با قالب‌های علی‌الظاهر پسندیده، به خورد یک عده می‌دهد، این ناامنی سیاسی و فکری ایجاد می‌کند. این هم مثل همان دزد سرگردنه است - فرقی نمی‌کند - مثل همان اشراق لب مرز است. آن‌ها مگر چه کار می‌کنند؟ آن‌ها هم جنس قاچاق می‌آورند و جوانان مردم را دچار انواع بدبختی‌ها و بیماری‌ها و اعتیاد می‌کنند. آن‌که این کار را می‌کند، از او که کمتر نیست؛ اگر خطرناکتر نباشد! اینها ذهن‌ها را منحرف و گمراه می‌کنند.

بنده درباره مطبوعات و نوشتن‌ها، صحبت‌های زیادی کرده‌ام. هیچ‌کس هم نمی‌تواند منکر این بشود که بنده طرفدار فکر آزاد، قلم آزاد، بیان آزاد و معارف منتشر شده گونه‌گون در این کشورم؛ اعتقاد من این است. من

^{۴۵} پوراستاد، محاکمه سلام، ۴۹-۳۹ و ۹۱-۸۱. اعضای هیأت منصفه عبارت بودند از: حجج اسلام دعاگو، مسیح مهاجری، کاظم صدیقی، سید جعفر شبیری، پورمحمدی، روح‌الله‌حسینیان، محمدی عراقی، و نواب.

^{۴۶} برای اطلاع از نظرات آیات الله محمدتقی بهجت، محمد فاضل لنکرانی، ناصر مکارم شیرازی، عبدالکریم موسوی اردبیلی، حسین نوری همدانی، و شیخ جواد تبریزی، نگاه کنید به رسائی، پایان داستان غم انگیز، جلد ۱، ۲۲۵-۲۱۳.

^{۴۷} "دیدار اجتماع پرشور ده‌ها هزار تن از مردم انقلابی و شهرقائات"، ۸ شهریور ۱۳۷۸، تورنمای "پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری"، <http://www.leader.ir/langs/fa/?p=contentShow&id=1801>، (دسترسی ۲۳ آذر ۱۳۸۷).

می‌گویم بایستی افکار و آراء و سلاقی مختلف در کشور، به صورت صحیح و درست مطرح شود؛ اما گفتنِ معارف گوناگون یک حرف است، دروغ گفتن به مردم و دروغ نوشتن و تحریف کردن حقایق و بلندگوی دشمن شدن، حرف دیگری است؛ آنچه که من در باب مطبوعات نمی‌توانم قبول کنم و بپذیرم، این دومی است. عوض بیست روزنامه، دویست روزنامه هم منتشر شود، طوری نیست. یک عده اگر توانایی داشته باشند و حرفی برای گفتن داشته باشند، لابد خواننده‌هایی هم پیدا خواهند کرد؛ مانعی هم ندارد؛ اما اگر قرار باشد روزنامه‌ای که منتشر می‌شود، با استفاده از امکانات این مردم، با استفاده از بیت‌المال این مردم، با استفاده از کمک این مردم، علیه مصالح این مردم بنویسد - آن هم به شکل دروغ و افتراء، نه این‌که عقیده‌ای دارد و می‌نویسد - و بنا باشد بلندگوی رادیو اسرائیل یا رادیو آمریکا در این کشور شود، این قابل قبول نیست.

کسانی بیایند احکام و ضروریات اسلام را انکار کنند - مثلاً قصاص را منکر شوند - این هم یک مقوله دیگر است؛ نوع دیگری از ایجاد ناامنی است. البته من در این ایام سفر و اشتغالات آن نتوانستم به‌طور مسجّل و دقیق به کنه این مطلب برسم؛ گفتم رسیدگی کنند. اگر کسی پیدا شود که به انکار ضروریات دین - که از جمله ضروریات دین، قطعاً قصاص اسلامی و شرعی است - تجاهر کند، این مرتد است و حکم مرتد هم در اسلام معلوم است. اگر کسانی خیال می‌کنند که با پشتیبانی دستگاه‌های تبلیغاتی استکباری و شبکه و امپراتوری تبلیغاتی صهیونیستی در دنیا، می‌توانند کارشان را در این مملکت از پیش ببرند، اشتباه می‌کنند؛ چنین چیزی نیست. در این مملکت، با این ملت زنده و بیدار، با این جوانان مؤمن، همه چیز در مجرای اراده و خواست و ایمان این ملت باید حرکت کند. همه آنهايي که به مزدوران خودشان در این جا دل خوش کرده‌اند و هم این کسانی که به حمایت اربابان بیگانه دل خوش کرده‌اند، بدانند که چنین چیزی امکان ندارد.^{۴۸}

در آذر ماه، آیت‌الله‌خامنه‌ای در دیداری با اعضاء "شورای عالی انقلاب فرهنگی" از کار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اظهار نارضائی کرد و گفت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، آقای مهاجرانی، که خود یکی از اعضاء شورا بود،

ظاهراً در این جلسه نیستند. خودشان را راحت کردند که این حرف‌ها را بشنوند. فرق نمی‌کند باشند یا نباشند. من اعتراض این است، بارها گفته‌ام، وزارت ارشاد در این دو سالی که ایشان در راس کار هستند هیچ کار اسلامی به‌عنوان اسلامی نکرده. این اولین اعتراض من است. من به صدا و سیما هفته‌ای یک بار یا کم‌تر اعتراض می‌کنم، پیغام تند می‌دهم. اما صدا و سیما کارهای زیادی به‌عنوان اسلامی انجام داده و برنامه‌های اسلامی درست کرده، برنامه هنری، اسلامی، گزارش و علمی. اگر خطا دارد، تلاش و کارهم دارد. سوال من این است که وزارت ارشاد چند کتاب برای تقویت تفکر اسلامی چاپ کرده است؟ چند فیلم برای تقویت مبانی فکری، اسلامی، و انقلابی ساخته است؟ الان مرتب در سالن‌های وابسته به ارشاد نمایش داده می‌شود، بعضی‌ها صددرصد ضد دین است، ضد انقلاب است. اگر در کنار این همه، چند نمونه تئاتر و فیلم اسلامی می‌ساختند که این مبلغ

^{۴۸} "بیانات مقام معظم رهبری و فرمانده کل قوا در مراسم دیدار گروه کثیری از سپاهیان و بسیجیان در مشهد"، ۱۰ شهریور ۱۳۷۸، تورنمای "پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری"، <http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=1804>، (دسترسی ۲۳ آذر ۱۳۸۷).

اسلام است، من اعتراض نمی‌کردم. بنده اهل رمان خواندن بودم و الان هم با رمان بی‌ارتباط نیستم، خبر دارم که در دنیای رمان چه خبر است. فاسدترین رمان‌ها الان منتشر می‌شود.^{۴۹}

چند روز بعد از این دیدار، آیت‌الله خامنه‌ای در خطبه نماز جمعه گفت:

ایادی دشمن در تبلیغاتشان، چه در رادیوهای بیگانه، و چه در ادامه آن رادیوها در داخل و در بعضی از رسانه‌های داخلی، مرتب حرف‌هایی می‌زنند و کارهایی می‌کنند که این‌طور احساس شود که تشنج عظیم سیاسی‌ای وجود دارد، در حالی که این واقعیت نیست. شما به بعضی از این رسانه‌های داخلی نگاه کنید، البته همه بیگانه نیستند، اما بعضی چرا. بعضی مال آن دشمنان هستند. البته اینها را هم می‌شناسید. همه‌اش هم فریاد می‌زند که اختناق هست. این آن‌ها را بیشتر رسوا می‌کند. برای خاطر این که هر روز دارد حرف‌های دروغ و تشنج آفرینشان منتشر می‌شود.^{۵۰}

در اسفند ماه ۱۳۷۸، یک هفته پس از تیراندازی به سعید حجاریان، که در پیروزی قاطع اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس نقشی کلیدی داشت،^{۵۱} آیت‌الله خامنه‌ای باردیگر درباره مطبوعات اظهار نظر کرد و در نامه‌ای از رئیس جمهور خاتمی خواست به «دستگاه‌های مسئول، همچون وزارتخانه‌های اطلاعات و کشور و شورای امنیت کشور دستور» بدهد که «با سرعت و جدیت بیشتری در جستجوی کشف و تعقیب عوامل جنایت باشند»، زیرا «بیم آن هست که این قضیه مانند پرونده قتل‌های زنجیره‌ای دامنه‌دار و تبدیل به موضوعی مبهم و شایعه‌انگیز» شود. آیت‌الله خامنه‌ای در نامه خود افزود «در این قضیه مشاهده می‌شود که متاسفانه برخی زبان‌ها و قلم‌ها به شدت سرگرم التهاب آفرینی و شایعه‌پردازی‌اند. بی‌تعهدی را به آن‌جا رسانده‌اند که علاوه بر نام آوردن از افراد و اشخاص، با اتهام‌های بی‌دلیل، حتی سازمان‌های مسئول و مورد اعتماد، و حتی سپاه و بسیج، یعنی مطمئن‌ترین حافظ امنیت ملی را زیر سوال برده‌اند.»^{۵۲} عاملان حمله به آقای حجاریان به مجازات‌های سبکی محکوم شدند.^{۵۳}

"کنفرانس برلین"

در فروردین ۱۳۷۹، به دنبال برهم‌ریختن کنفرانسی در پایتخت آلمان، برلین یا برلین، که برای بررسی پیروزی اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس تشکیل شده بود تشنج سیاسی در ایران بالا گرفت. کنفرانس را سازمان آلمانی "بنیاد هاینریش بل" تشکیل داده و ۱۷ چهره سرشناس ایرانی، از جمله چند روزنامه‌نگار، را برای سخنرانی دعوت کرده بود. در نخستین روز

^{۴۹} در دیدار شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۲۴ آذر ۱۳۷۸، به نقل از رسانی، پایان داستان غم انگیز، جلد ۱، ۲۰۳-۲۰۰.

^{۵۰} متن کامل خطبه‌های نماز جمعه تهران به امامت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۶ آذر ۱۳۷۸، تورنمای "پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری"، <http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=1850>، (دسترسی ۲۳ آذر ۱۳۸۷).

^{۵۱} بخش جهانی بی‌بی‌سی، ۱۲ مارس ۲۰۰۰ (۲۲ اسفند ۱۳۷۸)، http://news.bbc.co.uk/1/hi/world/middle_east/674499.stm، (دسترسی ۱۱ مرداد ۱۳۸۵).

^{۵۲} رسانی، پایان داستان غم انگیز، جلد ۱، ۲۰۵-۲۰۴.

^{۵۳} بخش جهانی بی‌بی‌سی، ۱۷ مه ۲۰۰۰ (۲۸ اردیبهشت ۱۳۷۹)، http://news.bbc.co.uk/1/hi/world/middle_east/752624.stm، (دسترسی ۲۱ مرداد ۱۳۸۵) و بخش فارسی بی‌بی‌سی، ۱۶ اوت ۲۰۰۳ (۲۵ مرداد ۱۳۸۲)، http://www.bbc.co.uk/persian/iran/030816_mf-asgar.shtml، (دسترسی ۱۱ مرداد ۱۳۸۵). ضارب آقای حجاریان، سعید عسگر به خاطر آن حمله و تیراندازی‌های دیگر به ۱۵ سال حبس محکوم شد، اما بسیار زودتر با دریافت عفو آزاد شد. او هنگام تیراندازی به آقای حجاریان بیش از نوزده سال نداشت.

کنفرانس عده‌ای از ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی به رهبران جمهوری اسلامی و شرکت کنندگان در کنفرانس ناسزا گفتند. خانمی با لباس زیر در تالار سخنرانی رقصید و آقائی تمام لباس‌های خود را کند تا، چنانکه می‌گفت، جای شکنجه بر روی بدنش را نشان بدهد. کوشش برگزار کنندگان کنفرانس برای آرام کردن محیط به جایی نرسید و جلسات سخنرانی روز بعد با اقدامات امنیتی شدید انجام شد. گزارش تلویزیون ایران درباره برهم خوردن کنفرانس، از جمله اعتراض برهنگان، چنین می‌نمود که سخنرانان دعوت شده از ایران ساکت نشسته و حمله به رهبران ایران و حرکات افراد برهنه را تماشا کرده بودند. در حقیقت، تعدادی از سخنرانان از جمهوری اسلامی دفاع کرده و در نتیجه هدف حمله‌های تندتری قرار گرفته بودند. عده‌ای دیگر هنگام اعتراض‌ها در تالار نبودند و تصاویرشان هنگام تهیه گزارش در کنار تصاویری از صحنه‌های اعتراض قرار گرفته بود. بسیاری به گزارش تلویزیون انتقاد کردند و آن را گمراه کننده خواندند، اما چاپ گزارشی در روزنامه کیهان درباره مصاحبه یکی از سخنرانان، اکبر گنجی، با یک روزنامه آلمانی بر شدت طوفان سیاسی افزود. مصاحبه در روزنامه آلمانی با عنوان «خمینی به موزه تاریخ خواهد رفت» منتشر شده بود. آقای گنجی به کار بردن چنین تعبیری را انکار کرد و مسئولان روزنامه آلمانی گفتند عنوان مقاله را خود آنان برگزیده بودند. با وجود این، همه شرکت کنندگان در کنفرانس به اتهام به خطر انداختن امنیت ملی به دادگاه احضار شدند. از ۱۷ سخنران، ۲ نفر به ایران بازنگشتند. دیگران محاکمه و تبرئه شدند، اگرچه ۶ تن از آنان، از جمله ۲ نفر از چهار سخنران زن، مدت کوتاهی در بازداشت بودند. سه نفر، عزت‌الله سبحانی، اکبر گنجی، و علیرضا افشاری، به اتهام‌های دیگر مدت بیشتری را در زندان گذراندند.^{۵۴}

«پایگاه دشمن» در مطبوعات

در همین حال نبرد دیگری در کشور در جریان بود. از یک سو، اکثریت محافظه‌کار مجلس پنجم می‌کوشید در آخرین روزهای دوره خود قانون مطبوعات تازه را به تصویب برساند. از سوی دیگر اصلاح طلبانی که اکثریت مجلس ششم را به دست آورده بودند تغییر آن قانون را یکی از بالاترین اولویت‌هایشان اعلام کرده بودند. در ۲۶ فروردین ۱۳۷۹، چهار روز پیش از آن که قانون مطبوعات در مجلس به رای گذاشته شود، آیت‌الله خامنه‌ای رادیوهای خارجی را که برای «تشنج افکار در ایران» و اینکه «مردم ایران دو دسته شوند» برپا شده بودند محکوم کرد و از «داستان بسیار غم‌انگیز» کسانی سخن گفت که «به دشمن بیشتر اعتماد می‌کنند تا به دوست؛ به بیگانه بیشتر روی خوش نشان می‌دهند تا به دوست؛ حرف بیگانه را تکرار می‌کنند علی‌رغم دوست.»^{۵۵} طرح اصلاح قانون مطبوعات در شور دوم در ۳۰ فروردین ۱۳۷۹ به تصویب مجلس پنجم رسید. دو روز بعد، آیت‌الله خامنه‌ای گفت اگرچه در بسیاری از مطبوعات «آدم‌های خوب و مؤمنی مشغول کارند»، اما «بعضی از این مطبوعاتی که امروز

^{۵۴} برای اطلاع از جزئیات کنفرانس و پیامدهای آن نگاه کنید به محمد علی زکریائی (ویراستار)، کنفرانس برلین: خدمت یا خیانت؟، تهران، طرح نو، ۱۳۷۹. دو مترجم، خلیل رستم خانی و سعید صدر، که در تهران به برگزار کنندگان کنفرانس در مصاحبه با سخنرانان دعوت شده کمک کرده بودند، چون ده سال پیش به علت فعالیت در "سازمان وحدت کمونیستی" زندانی شده بودند، دوباره چند سال به زندان رفتند.
^{۵۵} متن کامل بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۶ فروردین ۱۳۷۹، تورنمای "دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای"، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3002>، (آخرین دسترسی ۶ مرداد ۱۳۸۷).

هستند، پایگاه‌های دشمنند» و افزود:

ده عنوان، پانزده عنوان‌روزنامه، گویا از یک مرکز هدایت می‌شوند؛ با تیتراهای شبیه به هم در قضایای مختلف. قضایای کوچک را بزرگ می‌کنند و تیتراهایی می‌زنند که هرکس این تیتراها را می‌بیند، خیال می‌کند که همه چیز در کشور از دست رفته است! اینها امید را در جوانان می‌میرانند؛ روح اعتماد به مسئولان را در آحاد مردم کشور تضعیف می‌کنند و نهادهای اصلی کشور را مورد اهانت و توهین قرار می‌دهند!

آیت‌الله خامنه‌ای اینگونه روزنامه‌نگاری را «شارلاتانیزم مطبوعاتی» خواند و گفت «مطبوعات غربی هم این طور نیستند.» آیت‌الله خامنه‌ای سپس گفت:

بارها به مسئولان دولتی تذکر داده‌ام و به‌طور جدی از آن‌ها خواسته‌ام که جلوی این وضعیت را بگیرند. این اسمش محدود کردن مطبوعات نیست. این اسمش جلوگیری از انتقال آزاد اطلاعات نیست - انتقال سالم اطلاعات مورد تأیید ماست. این معنایش جلوگیری از نفوذ دشمن است. جلوگیری از به‌ثمر رسیدن توطئه تبلیغاتی دشمن است. من وجود این جریان تبلیغاتی و مطبوعاتی را به حال کشور، به حال جوانان، به حال آینده، به حال انقلاب و به حال ایمان مردم مضر می‌دانم. این جریان، دائم درصدد قداست شکنی از مسائل اساسی اسلامی است. مباحث اسلامی را زیر سؤال می‌برند؛ انقلاب را زیر سؤال می‌برند؛ نه با بیان منطقی، با روش‌های بسیار غلط که جز در مطبوعات ناسالم در دوره‌هایی که بوده، انسان نمی‌تواند نظیر و شبیهش را پیدا کند! من به‌نظرم رسید بعد از آن که با مسئولان در میان گذاشتم و به رئیس جمهور گفتم، این را به‌عنوان یک درد دل و شیکوه - مثل پدری که با فرزندانش مطلبی را در میان می‌گذارد - با شما در میان بگذارم.^{۵۶}

ظرف کم‌تر از دو هفته از سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای، قوه قضائیه ۱۶ روزنامه اصلاح طلب، از جمله مشارکت، ارگان "جبهه مشارکت اسلامی ایران"، را با استناد به «قانون اقدامات تامینی» که در سال ۱۳۳۹ برای پیشگیری از جنایت تصویب شده بود توقیف کرد.^{۵۷} روزنامه مشارکت در روزی توقیف شد که صاحب امتیاز آن و برادر رئیس جمهور خاتمی، محمد رضا خاتمی، همراه با پنج تن دیگر از رهبران سازمان‌های اصلاح طلب با آیت‌الله خامنه‌ای دیدار می‌کردند. آیت‌الله خامنه‌ای به شدت از «وضع برخی روزنامه‌ها و حضور عناصر ضد انقلابی و مخالف» در آن‌ها انتقاد کرد و گفت «یک جریان منحرف مطبوعاتی با هدف جهت دهی افکار عمومی به مخالفت با اسلام و انقلاب اسلامی، هر روز موجبات نگرانی و تشویش افکار عمومی را فراهم می‌کند و با خودداری از پرداختن به مسائل و مشکلات اصلی مردم، بر سر مسائل کوچک، جنجال و غوغا به راه می‌اندازد. روشی که برخی از دوستان در برابر این جریان منحرف اتخاذ کرده‌اند غلط و ناکارآمد است و عملاً امکان سوء استفاده از

^{۵۶} متن کامل بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان در مصلای بزرگ تهران"، ۱ اردیبهشت ۱۳۷۹، تورنمای "دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای"، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3003>، (آخرین دسترسی ۶ مرداد ۱۳۸۷).
^{۵۷} "انجمن روزنامه نگاران ایران"، دغدغه آزادی، تهران، روزنگار، ۱۳۸۲، ۲۰۲-۲۰۱. برای اطلاع بیشتر از "قانون اقدامات تامینی" به "فصل هفتم: دومین پائیز (۸۴-۱۳۷۹)" نگاه کنید.

مطبوعات را برای مخالفان نظام پدید می‌آورد، بنا بر این لازم است در این روش بازنگری صورت گیرد.^{۵۸} مجلس ششم که در ۷ خرداد ۱۳۷۹ افتتاح شد در دست اصلاح‌طلبان، از جمله ۱۰ روزنامه‌نگار بود که ۳ تن از آنان به عضویت هیأت رئیسه مجلس انتخاب شدند.^{۵۹} سه هفته بعد، مجلس فوریت ترمیم قانون مطبوعاتی را که در دوره پیشین توسط محافظه‌کاران از مجلس گذشته بود تصویب کرد. اما مدتی بعد رئیس مجلس، حجت‌الاسلام مهدی کروبی، یادداشتی به خط آیت‌الله‌خامنه‌ای، با تاریخ ۱۵ مرداد ۱۳۷۹، دریافت کرد که در آن آمده بود:

مطبوعات کشور سازنده افکار عمومی و جهت‌دهنده به همت و اراده مردمند. اگر دشمنان اسلام و انقلاب و نظام اسلامی مطبوعات را در دست بگیرند، یا در آن نفوذ کنند، خطر بزرگی امنیت و وحدت و ایمان مردم را تهدید خواهد کرد و اینجانب سکوت خود و دیگر دست‌اندرکاران را در این امر حیاتی جایز نمی‌دانم. قانون کنونی تا حدی توانسته است مانع از بروز این آفت شود و تغییر آن به امثال آنچه در کمیسیون مجلس پیش بینی شده، مشروع و به مصلحت نظام و کشور نیست.^{۶۰}

این نخستین شکست اصلاح‌طلبان در تصویب قوانین تازه در چهار سالی بود که مجلس را در اختیار داشتند.

«سوگواره مطبوعات»

به علت توقیف ناگهانی بسیاری از روزنامه‌ها در بهار ۱۳۷۹، جشنواره مطبوعات برای نخستین بار از زمان پیدایش آن در سال ۱۳۷۳ در اردیبهشت برگزار نشد. در عوض، جشنواره هفتم در ۱۷ مرداد - "روز خبرنگار" ایران، به یاد محمود صارمی، خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی، که در سال ۱۳۷۶ به دست طالبان در افغانستان کشته شده بود - گشایش یافت.^{۶۱} در هیأت منصفه این دوره دو روزنامه‌نگار زن عضویت داشتند، اما تنها ۶ تن از ۵۲ برنده جایزه زن بودند، و به این ترتیب سهم زنان از جوایز از ۱۷/۴ درصد سال پیش به ۱۱/۵ درصد کاهش یافته بود. یکی از اعضاء هیأت داوران، احمد زید آبادی، که خود برترین جایزه جشنواره پنجم را به دست آورده بود، اندکی پیش از اعلام نام برندگان جشنواره هفتم بازداشت شد. دو تن از برندگان اندکی پس از جشنواره به زندان رفتند: ستون‌نویس سیاسی، محمد قوچانی،^{۶۲} و سید ابراهیم نبوی، که مطالبی به طنز درباره گزارش‌های رسمی دائر بر خودکشی عضو ارشد وزارت اطلاعات، سعید امامی، در زندان نوشته بود.^{۶۳} نوزده جایزه به مطالبی از دو روزنامه آفتاب امروز و نشاط داده شد که هر دو در زمان اعلام جوایز

^{۵۸} رسائی، پایان داستان غم انگیز، جلد ۱، ۲۰۹. آقای رسائی در زیرنویس نام دیگر شرکت‌کنندگان در دیدار ۸ اردیبهشت ۱۳۷۹ را «آقایان مهدی کروبی، مجید انصاری، هادی خامنه‌ای، محمد سلامتی، و محمد علی نجفی» ذکر می‌کند و می‌افزاید که «مشروح کامل این دیدار بخش نشد.»

^{۵۹} روزنامه نگار، شماره ۲۷: اسفند ۱۳۷۹، ۴.

^{۶۰} رسائی، پایان داستان غم انگیز، جلد ۲، ۲۴۷.

^{۶۱} آثار برگزیده هفتمین جشنواره مطبوعات، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰، ۷.

^{۶۲} روزنامه نگار، شماره ۱۳، مهر ۱۳۷۹، ۲.

^{۶۳} سید ابراهیم نبوی، نقل شده در روزنامه نگار، شماره ۳۰، خرداد ۱۳۸۱، ۶.

توقیف شده بودند. یازده مطلب برنده از هفته‌نامه ایران جوان بود که کم‌تر از دو ماه پس از جشنواره توقیف شد. ماهنامه پیام امروز، برنده جایزه برای دو عکس از تظاهرات دانشجویان در سال ۱۳۷۸ و پنج گزارش تحقیقی، از جمله گزارشی بسیار مفصل درباره سعید امامی، چند ماه بعد توقیف شد. اگرچه عکس‌ها و طرح‌های برنده کیفیتی بالاتر از سال‌های گذشته داشتند، تفسیرهای سیاسی و اقتصادی با زبانی دورودراز، پیچیده و مبهم نوشته شده بودند، نقیصه‌ای که می‌توان آن را تا حدی به پیچیدگی شرایط و تا حدی به تمایل نویسندگان به پرهیز از عواقب احتمالی صراحت نسبت داد. هیأت داوران به این نکته اشاره کرد و گفت «با قاطعیت می‌توان ادعا کرد که مطالب ارزشمندی اعم از مقاله، سرمقاله، گزارش، خبر، مصاحبه، نقد و تحلیل و... در یک سال اخیر به چاپ رسیده که برخی از آن‌ها به دلائل گوناگون، راه به جشنواره نبرده‌اند و در چرخه رقابت با دیگر آثار ارسالی قرار نگرفته‌اند.» با وجود این، هیأت داوران نتیجه گرفت که «در یک نگاه کلی، می‌توان بر رشد محسوس روزنامه‌نگاری کشور، مهر تایید زد.»^{۶۴}

در فاصله جشنواره‌های پنجم و ششم - اردیبهشت ۱۳۷۷ تا اردیبهشت ۱۳۷۸ - ۹ نشریه توقیف شده بود، دو عنوان به دستور دادگاه مطبوعات، و بقیه به دستور دادگاه ویژه روحانیت یا هیأت نظارت بر مطبوعات، که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در آن عضویت دارد. در زمان اعطاء جوایز جشنواره هفتم (۲۲ مرداد ۱۳۷۹) ۲۳ نشریه دیگر توقیف شده بود - ۲۱ عنوان به دستور دادگاه مطبوعات؛ از تیراژ کل مطبوعات در حدود ۳ میلیون نسخه کاسته شده بود؛^{۶۵} و در حدود ۱،۴۵۰ نفر از کارکنان مطبوعات کار خود را از دست داده بودند. رئیس "انجمن صنفی روزنامه‌نگاران"، رجبعلی مزروعی، در سخنرانی خود در گردهمایی اعطاء جوایز جشنواره گفت مناسب‌تر آن بود که این مراسم «سوگواره مطبوعات» نامیده می‌شد.^{۶۶}

^{۶۴} آثار برگزیده هفتمین جشنواره مطبوعات، ۲۷.

^{۶۵} دغدغه آزادی، ۲۰۱-۲۰۳.

^{۶۶} "متن سخنرانی آقای رجبعلی مزروعی، رئیس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران"، آثار برگزیده هفتمین جشنواره مطبوعات، معاونت امور مطبوعاتی و تبلیغاتی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰، ۲۴.